

## مقایسه قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی

زهرا کرمانی مامازندی\*

عضو گروه پژوهشی علوم شناختی، جهاد دانشگاهی البرز

محمود نجفی

استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان

افضل اکبری بلوطبنگان

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی اجرا شد. روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بود. تعداد ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی (پایه هفتم و هشتم) شهرستان پاکدشت به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های افکار خودکشی، اضطراب، استرس، افسردگی و قلدری ایلی‌نویز را تکمیل کردند. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین نمرات قربانی، قلدری، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنی که دختران با افکار خودکشی نمرات بالاتر در رفتارهای قربانی، قلدری، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی در مقایسه با گروه بدون افکار خودکشی به دست آوردند. در نهایت نتایج این پژوهش به نقش مهم متغیرهای قربانی، قلدری، نزاع، استرس، افسردگی و اضطراب بر افکار خودکشی اشاره کرده است. بنابراین، با توجه به آسیب‌های جسمی روان‌شناختی زمینه‌ساز قلدری پیشنهاد می‌شود در جهت پیشگیری، ارتقاء میزان آگاهی معلمان، والدین و دیگر اولیاء مدرسه آموزش‌های کاربردی ارائه شود.

### واژگان کلیدی

استرس؛ اضطراب؛ افسردگی؛ افکار خودکشی؛ قلدری؛ قربانی

\* نویسنده مسئول

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۹/۲۷

## مقدمه و بیان مسأله

آموزش و پرورش عرصه‌ای است که در آن آرمان‌های تربیتی، فرهنگی و اخلاقی دنبال می‌شوند. مدرسه نیز مکانی است که کودک در آن مهارت‌های ارتباطی، نقش جدید خود به‌عنوان دانش‌آموز، قانون‌پذیری و قانون‌باوری، سامان دادن به سیستم هیجانات خویش و هنجارهای اجتماعی را می‌آموزد و به اصطلاح جامعه‌پذیر می‌شود. پر دامنه‌ترین چالش مدارس مسأله قلدری است (علی‌وردی‌نیا و سهرابی، ۱۳۹۴). قلدری در مدارس مشکل بزرگی است که ۲۰ تا ۲۵ درصد دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جونن، اسپنوزا و اسکاتر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). قلدری در معنای عام به‌عنوان یک عمل پرخاشگرانه تعریف می‌شود که بارها از سوی فرد تکرار شده و در بردارنده یک قدرت نامساوی بین فرد قلدر و فرد قربانی است (کوالسکی و لیمبر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). توجه به پدیده قلدری بعد از پژوهش مشهور الویوس در سال ۱۹۸۷ به طور علمی آغاز شد. او قلدری را به‌عنوان یک عمل پرخاشگرانه مکرر در برابر فرد قربانی، تعریف کرده است که به آسانی نمی‌تواند از خود دفاع کند (الویوس ۱۹۹۶؛ به نقل از روجری، فریمل، استیکا، پرن و آلساکر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). با توجه به تعاریف قلدری، رفتار قلدرانه پنج ویژگی مهم دارد: ۱- عملی پرخاشگرانه است. ۲- این پرخاشگری معمولاً از پیش برانگیخته نیست. ۳- به‌صورت مکرر اتفاق می‌افتد. ۴- در بردارنده قدرتی نامتوازن بین فرد قلدر و فرد قربانی است. ۵- در گروه‌های کوچک اجتماعی رخ می‌دهد که اعضای آن با یکدیگر آشنا هستند (استکی آزاد و امیری، ۱۳۹۱). بر اساس نظریه اولویوس (۱۹۹۳) و دیگر نظریه پردازان این حوزه، رفتار قلدرانه شامل پهنه وسیعی از رفتارهای مخرب است که به‌طور منظم و در یک دوره گسترده زمانی باعث قربانی شدن افراد به سه شکل جسمانی، کلامی و عاطفی یا روان‌شناختی می‌شود (روثون، هد، کلینبرگ و استانفلد<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). قربانی شدن جسمانی مستلزم تماس فیزیکی مستقیم و محسوس میان فرد قلدر و قربانی است و در اشکالی مانند ضربه زدن، هل دادن و تنه زدن، لگد زدن و غیره انجام می‌شود (الیوت، کرنل، جریجری و فان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛

1. Juvonen, Esponzoza and Schacter
2. Kowalski and Limber
3. Ruggieri, Friemel, Sticca, Perren and Alsaker
4. Rothon, Head, Klineberg and Stansfeld
5. Eliot, Cornell, Gregory and Fan



پاپانیکولا، چاتزیکوسما و کلیو<sup>۱</sup>، (۲۰۱۱). قربانی شدن کلامی، متداول‌ترین شکل آن است و شامل حملات کلامی از سوی فرد قلدر با استفاده از کلمات برای توهین کردن، تحقیر کردن، ارباب و تهدید کردن، لقب گذاشتن و بر چسب زدن روی فرد قربانی است. قربانی شدن جسمانی و کلامی چون با بروندهای خود مشاهده می‌شوند، به روش‌های مستقیم قلدری معروف هستند، اما قربانی شدن عاطفی با استفاده از روابط اجتماعی میان گروه‌ها انجام می‌شود و شامل شایعه پراکنی، تهمت زدن، خبرچینی، تحریک افراد دیگر از سوی فرد قلدر برای آسیب زدن به فرد قربانی و از همه مهم‌تر نادیده گرفتن، طرد کردن و محروم کردن اجتماعی قربانی از گروه یا از فعالیت‌های خاص است (پاپانیکولا و همکاران، ۲۰۱۱). ویژگی مهم قربانی شدن عاطفی نسبت به قربانی شدن جسمانی و کلامی، غیرمستقیم و روانی بودن آن است که همیشه مشاهده نمی‌شود و لذا احتمال نادیده گرفته شده آن و در نتیجه آسیب دیدن بیشتر فرد قربانی وجود دارد. به‌علاوه چون قربانی شدن عاطفی سبب تحقیر شدن نظام‌دار احساس فرد می‌شود، بیشترین آسیب را برای فرد قربانی نسبت به دیگر انواع قلدری در پی دارد (فیلیپه، گارسیا، بابا رو و آریاس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

بررسی‌ها نشان داده که میزان قلدری در میان سال‌های تحصیلی ابتدایی و دبیرستان کاهش یافته و اوج شیوع آن در دوره راهنمایی است. هر چند که این تغییرات متناسب با جنسیت دارای نتایج متناقضی است، به نحوی که این میزان در دختران کاهش یافته، اما در پسران تغییری نداشته است (وانگ، بریتن، مک دوگال و ویلانکورت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). مطالعات نشان می‌دهد که قربانیان دارای اعتماد به نفس ضعیف، اضطراب و افسردگی، سوء مصرف الکل و مواد (رد، ناگنت و کوپر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵)، و افکار خودکشی (کولمک، سوراندر و الونهیمو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵؛ کیم، لونتال، کح و بویس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹) هستند. همچنین نتایج یافته‌های (سلز و یانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳؛ یانگ، کیم، کیم،

1. Papanikolaou, Chatzikosma and Kleio
2. Felipe, Garcia, Babarro and Arias
3. Wang, Brittain, McDougall and Vaillancourt
4. Reed, Nugent and Cooper
5. Klomek, Sourander and Elonheimo
6. Kim, Leventhal, Koh and Boyce
7. Seals and Young

شین و یون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ کالتیالا-هینو، ریمپلا، رانتانن و ریمپل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰) نشان داد افرادی که افکار خودکشی داشتند، دارای نرخ بالای مشکلات مانند افسردگی، استرس، اضطراب و قربانی قلدری بودند و در فعالیت‌های مدرسه شرکت فعال نداشتند.

در این راستا افکار خودکشی در نوجوانان یکی از مشکلات عمده سلامت روانی محسوب می‌شود. افکار خودکشی به‌عنوان افکار خود گزارش‌دهی درباره خودکشی، در دامنه‌ای از یک میل مبهم با نفوذ برای مردن تا نقشه کامل خودکشی تعریف می‌شود. این افکار می‌توانند به صورت فریاد کمک خواهی برای رهایی از تنش و حوادث غیرقابل تحمل و اجتناب، به رفتار خودتخریبی تبدیل شوند (اندرسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). بعد از سال‌های ۱۹۵۰، جهان شاهد افزایش روزافزون رفتارهای خودکشی‌گرایانه شامل افکار خودکشی، اقدام به خودکشی، رفتار خودتخریبی و خودکشی موفق در بین نوجوانان و جوانان بوده است، به نحوی که از سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ نرخ رفتارهای خودکشی‌گرا در نوجوانان ۱۵-۱۹ ساله، سه برابر بیشتر شده است. در سال‌های اخیر رفتار خودکشی‌گرا علت مرگ و میر ۸ الی ۱۵ درصد از نوجوانان ۱۲-۱۸ سال و جوانان ۱۸-۴۰ سال با احراز رتبه دوم تا پنجم بوده است (فدایی، عاشوری، هوشیاری و ایزانلو، ۱۳۹۰). مطالعه حاضر از نظریه بین فردی خودکشی ون اردن، وایت، کاکرویز، سلبی و جوینتر<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) استفاده می‌کند. طبق این نظریه، میل به خودکشی به‌واسطه وجود وابستگی سرکوب شده و مشکلات فردی ایجاد می‌شود. رفتارهای قلدری نمادی از وابستگی سرکوب شده در شخص قلدر است. رفتارهای این شخص در جهت دستیابی به موقعیت اجتماعی و در جستجوی راه یافتن به گروه همسالان خود است. قربانی شخصی است که هدف رفتارهای قلدرانه‌ای می‌شود که بیان‌کننده تعلق نداشتن آن فرد به گروه همسالان است. بنابراین، رفتار قلدرانه نشانه‌ای از وابستگی سرکوب شده است که در نتیجه می‌تواند به افزایش تمایل به خودکشی منجر شود. (ون اردن و همکاران، ۲۰۱۰). عوامل خطر ساز خودکشی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) عوامل زیستی-روانی-اجتماعی، مانند اختلال‌های روانی، به‌ویژه اختلالات خلقی؛ مشکل سازگاری با تغییرات و رویدادها؛ ناامیدی؛

1. Yang, Kim, Kim, Shin and Yoon
2. Kaltiala-Heino, Rimpela, Marttune, Rimpela and Rantanen,
3. Anderson
4. Van Orden, Witte, Cukrowicz, Selby and Joiner



تکانشی بودن؛ تمایلات پرخاشگرانه؛ سابقه رویدادهای آسیب‌زا؛ بیماری‌های شدید جسمانی و سابقه اقدام به خودکشی. ب) عوامل محیطی مانند شکست‌های تحصیلی، بیکاری و مشکل مالی، شکست در روابط عاطفی و دسترسی آسان به وسایل مرگبار و ج) عوامل فرهنگی اجتماعی، مانند باورهای نادرست درباره رفتار کمک خواهی، موانع دسترسی به مراکز خدمات بهداشت روانی، باورهای نادرست درباره خودکشی و قرارگرفتن در معرض اخبار خودکشی (پاتر، سیلورمن، کاتورتن و پاسنر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). همچنین ون گیل، گومانز و ودر<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که افکار خودکشی پیامدهای نامطلوبی چون، مشکلات شخصی، پرخاشگری، علائم روان تنی و قربانی قلدری را به همراه داشته است.

نتایج پژوهش آرنگو، اپرمن، گیپسون و کینگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) نشان داد که شدت رفتارهای قلدری و قربانی قلدری در افرادی بیشتر است که افکار خودکشی دارند. همچنین واسدرپ و بردشو<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، نوک<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که نوجوانانی که سابقه اقدام به خودکشی و افکار خودکشی داشتند، بیشتر قربانی قلدری بودند.

برخی پژوهش‌ها افسردگی را به‌عنوان عمده‌ترین علت روان‌شناختی افکار خودکشی مطرح کرده‌اند افسردگی به‌عنوان یکی از اختلالات روانی شایع در جامعه انسانی، دامنه وسیعی از حالت‌های عاطفی و ذهنی، از غمگینی و ضعف عزت نفس گرفته تا ناتوانی احساسی و جسمی را در بر می‌گیرد و ممکن است در واکنش نسبت به بعضی وقایع بیرونی، مانند مرگ نزدیکان، طلاق، خشونت یا بدون هیچ ظاهری اتفاق بیفتد (سعادت، عباس زاده، نیازی و منتظری خوش، ۱۳۹۴). استرس، می‌تواند یکی از سازه‌های روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده افکار خودکشی در دانش‌آموزان باشد. نزیحه و نسلیهان<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان دادند که بین حوادث استرس‌زای زندگی و افکار خودکشی رابطه وجود دارد و افراد با افکار خودکشی استرس بیشتری دارند. نتایج پژوهش اسدی، حسینی رضی و جلیلی (۱۳۹۱) نشان داد که با افزایش استرس، اضطراب و افسردگی، احتمال خطر خودکشی بیشتر می‌شود. داشتن مهارت

1. Potter, Silvermen, Connorton and Posner
2. Van Geel, Goemans and Vedder
3. Arango, Opperman, Gipson and King
4. Waasdorp and Bradshaw
5. Nock
6. Nezihe and Neslihan

بیشتر در کنترل استرس موجب اضطراب کمتر و کاهش میزان افسردگی و در مجموع ارتقاء کیفیت زندگی خواهد شد (فول، جیم، ویلیارد، لافوس و جاکوبسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). هم‌چنین نتایج پژوهش فدایی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد افسردگی مهم‌ترین و شناخته‌ترین شاخص در پیش‌بینی افکار خودکشی و اقدام به خودکشی است در واقع خودکشی آخرین مرحله یک افسردگی شدید و درمان نشده است که در آن حالت، فرد هیچ تمایلی برای ادامه زندگی ندارد. بنابراین، افسردگی یک پیش‌بینی‌کننده مستقیم افکار خودکشی است. نتایج یافته‌های فردریک و دماری<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)؛ رید، ناگت و کوپر<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) نشان داد که علائم افسردگی نقش واسطه‌ای در رابطه بین قربانی شدن و افکار خودکشی دارد. استوارت<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۶) مطرح کردند یکی از مهم‌ترین عوامل برای رفتارهای خودکشی، افسردگی است و به عبارتی افرادی که رفتارهای مرتبط با خودکشی دارند، افسردگی را تجربه کرده‌اند.

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که قلدری می‌تواند خطر خودکشی را افزایش دهد و هم‌چنین با ایجاد مشکلات روان‌شناختی، تداخل در ارتباطات بین‌فردی را موجب شود؛ هم‌چنین قربانیان قلدری شانس بیشتری برای رشد مشکلات روان‌تنی و روانی-اجتماعی در طی سال‌های مدرسه دارند، اگرچه کودکان با علائم افسردگی و اضطرابی در طی سال‌های مدرسه بیشترین افراد قربانی قلدری بودند (کلومک، سراندر و گلد<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). سوئرر و هیمل<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) مطرح کردند که تجربه قربانی شدن را می‌توان به‌عنوان رویدادی استرس‌زای زندگی در نظر گرفت که ممکن است به آسیب‌پذیری‌های زیست‌شناختی و شناختی (مانند علائم افسردگی) منجر شود و پیامدهای منفی معناداری مانند افکار خودکشی را به همراه داشته باشد. نتایج پژوهش کارچ، لگان و مک‌دنیل<sup>۷</sup> (۲۰۱۳) نشان داد که مرگ ناشی از خودکشی در میان نوجوانان درگیر قلدری، یکی از هزاران عامل‌های مرگ به‌وسیله خودکشی بود. نیمی از جوانان قربانی خودکشی مشکلات مدرسه داشتند، اما فقط ۱۲/۴ درصد از این مشکلات مدرسه

1. Faul, Jim, Williams, Loftus and Jacobsen
2. Fredrick and Demaray
3. Reed, Nugent and Cooper
4. Stewart
5. Klomek, Sourander and Gould
6. Swearer and Hymel
7. Karch, Logan and McDaniel



به قلدری نسبت داده شده بود. نتایج یافته‌های کینگ، هرویتز، برونا و جیانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) نشان داد که قلدری با افکار خودکشی شدید، سوء مصرف مواد و آسیب‌های روانی-اجتماعی ارتباط دارد. با توجه به مطالب فوق و شیوع روزافزون قلدری در میان نوجوانان به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای برای بروز خشونت‌های مدرسه‌ای شدیدتر و افت کیفیت زندگی بزرگسالی آن‌ها، ضروری است والدین و معلمان و مدیران درباره این مشکل، علل آن و نحوه پیشگیری و درمان آن اطلاعات و آگاهی لازم را به‌دست آورند که رسیدن به این هدف نیازمند انجام پژوهش‌های گسترده در این زمینه است. از آنجا که در کشور ایران مطالعات اندکی در این زمینه انجام شده است. لذا در چنین شرایطی، انجام پژوهش‌های علمی در این زمینه برای پر کردن خلأ علمی موجود و به‌دنبال آن، دست یافتن به عوامل مرتبط و مؤثر برای ارائه راهکارهای پیشگیرانه و مداخله‌ای به‌منظور جلوگیری از شیوع این مسأله اجتماعی و کاستن از پیامدهای منفی آن لازم و ضروری است. در این راستا هدف پژوهش حاضر مقایسه قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی است.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی (پایه هفتم و هشتم) مدارس دولتی شهرستان پاکدشت به تعداد ۱۳۰۰ نفر در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بودند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و به حجم ۳۰۰ دانش‌آموز دختر بر حسب جدول تعیین حجم نمونه کرجسی-مورگان (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۰) انتخاب شد. برای نمونه‌گیری از بین مدارس راهنمایی دخترانه، چهار مدرسه و از هر مدرسه سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. ۴ پرسشنامه به‌دلیل نقص در پاسخ‌گویی از بررسی کنار گذاشته شد و در نتیجه پرسشنامه ۲۹۶ آزمودنی تحلیل شد. میانگین و انحراف معیار سنی دانش‌آموزان گروه نمونه  $13/82 \pm 0/71$  بود. همچنین افراد بر اساس نمرات افکار خودکشی به دو گروه تقسیم شدند. ۱۳/۵ درصد کسانی که بالاترین نمره را در افکار خودکشی دریافت کردند به‌عنوان گروه با افکار خودکشی و ۱۳/۵

1. King, Horwitz, Berona and Jiang

درصد کسانی که پایین ترین نمره را دریافت کردند به عنوان گروه بدون افکار خودکشی در نظر گرفته شدند. ملاک های ورود به مطالعه مؤنث بودن، پایه هفتم و هشتم بوده است. در این پژوهش از سه ابزار برای سنجش افکار خودکشی، قلدری و افسردگی، اضطراب و استرس استفاده شد:

**مقیاس افکار خودکشی (SIS)<sup>۱</sup>:** این مقیاس دارای ۳۸ گویه و ۵ خرده مقیاس احساس گناه و خودتخریب‌گری، ناامیدی و احساس حقارت، انزوایی و فقدان رابطه، رکود و ایستایی و افسردگی است که در طیف لیکرت از ۰ - ۳ به معنای هرگز تا همیشه نمره گذاری می‌شود. این مقیاس توسط محمدی‌فر، حبیبی و بشارت (۱۳۸۴) تدوین و در یک نمونه ۴۵۷ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های تهران مورد هنجاریابی قرار گرفته است. این مقیاس دارای نمره گذاری معکوس است. محمدی‌فر، زارعی مته کلایی، نجفی و منطقی (۱۳۹۲) ضرایب آلفای کرونباخ برای این ۵ بعد را به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۴، ۰/۸۰، ۰/۷۳، ۰/۷۲، و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۳ گزارش کردند و اعتبار بازمایی هر کدام از زیر مقیاس‌ها را به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۱، ۰/۸۲ و اعتبار بازمایی کل مقیاس ۰/۸۹ به دست آوردند. اعتبار این مقیاس در نمونه پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. این میزان برای افکار خودکشی ۰/۷۱ به دست آمد.

**مقیاس قلدری ایلی‌نویز (IBS)<sup>۲</sup>:** این مقیاس را اسپلاگه و هولت<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) ساخته‌اند. این مقیاس دارای ۱۸ سؤال بوده که سه عامل قلدری<sup>۴</sup>، نزاع<sup>۵</sup> و قربانی<sup>۶</sup> را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه روی یک طیف لیکرت ۵ گزینه ای از (هرگز=۰ تا هفت بار یا بیشتر=۴) قرار دارد. نمرات هر بعد و نمره کل از جمع آیتم‌های مربوطه به دست می‌آید. نمره بالا در هر سه عامل (قلدری، قربانی و نزاع) بیانگر بروز بیشتر همان‌گونه رفتار در آزمودنی است. اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) برای تعیین اعتبار پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند که برای کل مقیاس

1. Suicide Ideation Scale
2. Illinois Bully Scale
3. Espelage and Holt
4. Bullying
5. Victimization
6. Conflict





ضریب آلفا  $0/83$  و برای هر کدام از خرده مقیاس ها شامل قلدری  $0/87$ ، نزاع  $0/83$  و قربانی  $0/88$  به دست آمد. این مقیاس در ایران توسط اکبری بلوطبندگان و طالع پسند (۱۳۹۴) رواسازی شده و ضریب اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس  $0/87$  و هر کدام از خرده مقیاس ها شامل، قلدری  $0/77$ ، قربانی  $0/71$  و نزاع  $0/76$  به دست آمد. اعتبار این مقیاس در نمونه پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. این میزان برای قلدری  $0/72$ ، قربانی  $0/68$ ، نزاع  $0/63$  و کل مقیاس قلدری  $0/73$  به دست آمد.

**مقیاس افسردگی، اضطراب، استرس<sup>۱</sup>:** این مقیاس توسط (لاویبوند و لاویبوند<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ به نقل از فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۸) ساخته شد. یک مقیاس ۲۱ سؤالی خودگزارش دهی برای ارزیابی حالات عاطفی منفی در افسردگی، اضطراب و استرس است. هر یک از خرده مقیاس ها شامل ۷ سؤال است که به ترتیب سؤال های (۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۱) مربوط به خرده مقیاس افسردگی، سؤال های (۲، ۴، ۷، ۹، ۱۵، ۱۹، ۲۰) مربوط به خرده مقیاس اضطراب و سؤال های (۱، ۶، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۸) مربوط به خرده مقیاس استرس است. نمره نهایی هر کدام از طریق مجموع نمرات سؤال های مربوط به آن به دست می آید. هر سؤال از صفر (اصلاً درباره من صدق نمی کند) تا ۳ (کاملاً درباره من صدق می کند) نمره گذاری می شود. روایی و اعتبار این مقیاس در ایران توسط سامانی و جوکار (۱۳۸۶) بررسی شده است که اعتبار بازآزمایی را برای مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب برابر  $0/80$ ،  $0/76$  و  $0/77$  و آلفای کرونباخ را برای مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب برابر  $0/81$ ،  $0/74$  و  $0/78$  گزارش کرده اند. اعتبار این مقیاس در نمونه پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. این میزان برای افسردگی  $0/73$ ، اضطراب  $0/60$  و استرس  $0/64$  به دست آمد.

### یافته های پژوهش

نمونه پژوهش حاضر ۲۹۶ دختر نوجوان بوده که  $51/7$  درصد در پایه هفتم و  $48/3$  درصد در پایه هشتم مشغول به تحصیل بودند. در ادامه آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

1. Depression, Anxiety, Stress Scale (DASS)
2. Lovibond and Lovibond

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (n=۲۹۶)

متغیرها	گروه	M	SD
قلدری	با افکار خودکشی	۸/۳۸	۵/۷۳
	بدون افکار خودکشی	۰/۸۰	۱/۲۰
قربانی	با افکار خودکشی	۵/۲۲	۳/۷۴
	بدون افکار خودکشی	۰/۴۲	۱/۰۳
نزاع	با افکار خودکشی	۶/۸۴	۴/۸۱
	بدون افکار خودکشی	۱/۴۰	۱/۸۸
قلدری کل	با افکار خودکشی	۲۰/۴۴	۱۰/۳۱
	بدون افکار خودکشی	۲/۶۲	۲/۷۸
استرس	با افکار خودکشی	۱۳/۵۶	۳/۹۵
	بدون افکار خودکشی	۲/۰۵	۲/۱۷
اضطراب	با افکار خودکشی	۱۲/۵۰	۴/۹۵
	بدون افکار خودکشی	۱/۸۲	۲/۲۲
افسردگی	با افکار خودکشی	۱۳/۸۸	۴/۴۲
	بدون افکار خودکشی	۱/۵۰	۲/۰۱

میانگین=M؛ انحراف استاندارد=SD

نتایج مربوط به میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در دو گروه افراد با و بدون افکار خودکشی در جدول فوق ارائه شده است. در ادامه به منظور بررسی تفاوت نمرات قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه افراد با و بدون افکار خودکشی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شده است. پیش از اجرای آزمون مفروضه‌های آن بررسی شد. نتایج آزمون باکس برای یکسانی ماتریس کواریانس نشان داد که این مفروضه برقرار نیست ( $P=0/006$  و  $F=9/936$ ). پیش شرط دیگر برابری واریانس‌های خطاست. نتایج آزمون لون در جدول ذیل ارائه شده است.



جدول ۲: نتایج آزمون لون برای بررسی مفروضه یکسانی واریانس خطا

متغیرهای پژوهش	F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	سطح معناداری
قربانی	۴۸/۴۸	۱	۸۸	۰/۰۰۰۵
قلدری	۴۰/۸۱	۱	۸۸	۰/۰۰۰۵
نزاع	۳۷/۲۲	۱	۸۸	۰/۰۰۰۵
استرس	۱۰/۷۹	۱	۸۸	۰/۰۰۱
اضطراب	۲۵/۸۵	۱	۸۸	۰/۰۰۰۵
افسردگی	۱۸/۹۱	۱	۸۸	۰/۰۰۰۵

چنانچه در جدول فوق مشاهده می‌شود، پیش شرط برابری واریانس‌های خطا برای همه متغیرها برقرار نیست، لذا بنا بر نظر تاباچنیک و فیدل<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در زمان نداشتن برقراری مفروضه یکسانی واریانس - کواریانس اثر پیلایی به جای آزمون لامبدای گزارش می‌شود ( $F=74/79, P<0/0001, \lambda=0/844$ ). پس از ارزیابی مفروضه‌های آزمون و حصول اطمینان از آن، برای بررسی الگوهای تفاوت در هر کدام از متغیرهای وابسته از تحلیل واریانس تک متغیری به شرح زیر استفاده شد (جدول ۴).

جدول ۳: نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها روی نمرات متغیرهای پژوهش در دو گروه با و بدون افکار خودکشی

متغیرها	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	Sig	اندازه اثر
قربانی	۵۱۰/۹۳	۱	۵۱۰/۹۳	۶۱/۷۳	۰/۰۰۰۵	۰/۴۱۲
قلدری	۱۲۷۶/۸۱	۱	۱۲۷۶/۸۱	۶۷/۳۵	۰/۰۰۰۵	۰/۴۳۴
نزاع	۶۵۷/۶۴	۱	۶۵۷/۶۴	۴۵/۴۸	۰/۰۰۰۵	۰/۳۴۱
استرس	۲۹۴۴/۰۰	۱	۲۹۴۴/۰۰	۲۷۳/۲۲	۰/۰۰۰۵	۰/۷۵۶
اضطراب	۲۵۳۲/۳۵	۱	۲۵۳۲/۳۵	۱۵۹/۱۴	۰/۰۰۰۵	۰/۶۴۴
افسردگی	۳۴۰۵/۸۱	۱	۳۴۰۵/۸۱	۲۶۸/۲۶	۰/۰۰۰۵	۰/۷۵۳

## 1. Tabachnick and Fidell

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین نمرات قربانی، قلدری، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی در دو گروه افراد با و بدون افکار خودکشی تفاوت معناداری در سطح  $p < 0/0005$  وجود دارد. به این معنی که افراد با افکار خودکشی نمرات رفتارهای قربانی، قلدری، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی بالاتری را در مقایسه با گروه بدون افکار خودکشی از خود نشان دادند. همچنین در ستون آخر جدول اندازه اثر آمده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

قلدری در مدرسه یکی از مشکلات سازگاری در دوره نوجوانی است (پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۱) و اکثر محققان و روان‌شناسان رشدی توافق دارند که شکلی از آزار و اذیت‌های جسمی، جنسی و روان‌شناختی یک یا چند دانش‌آموز علیه دانش‌آموز دیگر به صورت مکرر در یک دوره زمانی است (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). که به‌عنوان یک نوع خشونت سطح پایین مورد توجه روان‌شناسان مدرسه قرار گرفته است (چن و آستر، ۲۰۱۰ و پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۱). از طرفی محیط خانواده نقش به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت کودک و الگوهای رفتاری او دارد. خانواده، اولین نهاد اجتماعی است که کودک به آن وارد می‌شود و این نهاد پر قدرت وی را برای ایفای نقش‌های مختلف دوره‌های متفاوت زندگی آماده می‌کند (بیرامی و علائی، ۱۳۹۱). در این راستا پژوهش حاضر به‌منظور مقایسه قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی انجام گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین نمرات قربانی، قلدری، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی در دو گروه افراد با و بدون افکار خودکشی تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنی که افراد با افکار خودکشی، نمرات رفتارهای قربانی، قلدری، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی بالاتری را در مقایسه با گروه بدون افکار خودکشی از خود نشان دادند. این نتیجه با یافته‌های (کارچ و همکاران، ۲۰۱۳؛ نوک و همکاران، ۲۰۱۳؛ واسدرپ و برادشو، ۲۰۱۵؛ آرنگو و همکاران، ۲۰۱۶؛ استوارت، ۲۰۱۶؛ نزیحه و نسلیهان، ۲۰۰۹؛ سیلز و یانگ، ۲۰۰۳؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کالتیالا-هینو و همکاران، ۲۰۰۰) همسو و هماهنگ است.

در پژوهش کارچ و همکاران (۲۰۱۳) مرگ ناشی از خودکشی در میان نوجوانان درگیر قلدری، یکی از هزاران عامل‌های مرگ به‌وسیله خودکشی بود. نتایج یافته‌های (سلز و یانگ،



۲۰۰۳؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کالتیلا-هینو و همکاران، ۲۰۰۰) نشان داد افرادی که افکار خودکشی داشتند، دارای نرخ بالای مشکلات مانند افسردگی، استرس، اضطراب و قربانی قلدری بودند و در فعالیت‌های مدرسه شرکت فعال نداشتند.

همچنین ون گیل و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که افکار خودکشی پیامدهای نامطلوبی چون، مشکلات شخصی، پرخاشگری، علائم روان تنی و قربانی قلدری را به همراه داشته است. نتایج پژوهش آرنگو و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که شدت رفتارهای قلدری و قربانی قلدری در افرادی، بیشتر است که افکار خودکشی دارند. همچنین واسدرپ و برادشو (۲۰۱۵)، نوک و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که نوجوانانی که سابقه اقدام به خودکشی و افکار خودکشی داشتند، بیشتر قربانی قلدری بودند. نزیحه و نسلیهان (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان دادند که میان حوادث استرس‌زای زندگی و افکار خودکشی رابطه وجود دارد و افراد با افکار خودکشی استرس بیشتری دارند.

در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه استنباط کرد که افسردگی، اضطراب، استرس، قلدری و قربانی بودن در افراد با افکار خودکشی بیشتر دیده شده است.

افسردگی اختلالی است که با کاهش انرژی و علاقه، احساس گناه، اشکال در تمرکز، بی‌اشتهایی، افکار مرگ و خودکشی مشخص می‌شود یا با تغییر در سطح فعالیت، توانایی‌های شناختی، تکلم، وضعیت خواب، اشتها و سایر ریتم‌های بیولوژیک همراه است. افسردگی به اختلال در عملکرد، روابط اجتماعی و بین فردی منجر می‌شود (مظلومی، میرزایی و محمدی، ۱۳۸۷). دانش‌آموزانی که مورد قلدری قرار می‌گیرند، انرژی خود را در مدرسه صرف این ترس و نگرانی می‌کنند که کی و چگونه آن‌ها دوباره آزار داده خواهند شد. آن‌ها ممکن است از رفتن به مدرسه اجتناب کنند. آزار هیجانی، باعث تغییر در سیستم‌های پاسخدهی عصب روان شناختی به فشار روانی می‌شود که با افزایش آسیب‌پذیری در برابر فشار روانی به اضطراب، افکار خودکشی و دیگر مشکلات انطباقی منجر می‌شود (یتز، ۲۰۰۷). براساس پژوهش‌های انجام شده، میزان اضطراب در دانش‌آموزان با افکار خودکشی در مقایسه با دانش‌آموزان عادی متفاوت است (روثون و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج یافته‌های اسپلاگه و هولت (۲۰۱۳) نشان داد که ۶۰ درصد از قربانیان قلدری در ۶ ماه گذشته افکار خودکشی داشتند و

۴۳ درصد از قربانیان قلدری تلاش کردند که به طور عمد به خودشان آسیب بزنند. علت افکار خودکشی را می توان در استرس، اضطراب، افسردگی، قلدری و قربانی بودن جستجو کرد. این عوامل باعث ایجاد افکار خودکشی و اقدام به خودکشی می شود. این پژوهش مانند هر پژوهش علمی دیگر با محدودیت هایی مواجه بود از جمله اینکه یافته های این پژوهش حاصل اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسشنامه های خودگزارش دهی دانش آموز در جامعه محدود به دختران مقطع راهنمایی مدارس شهرستان پاکدشت بود؛ لذا توجه به این نکته در تعمیم دهی نتایج به گروه های دیگر نیز حائز اهمیت است از این رو انجام دادن پژوهش های مشابه در میان جامعه پسران و مقاطع مختلف تحصیلی ضرورت می یابد، همچنین استفاده از ابزارهای مختلفی مثل مشاهده، مصاحبه و درجه بندی رفتار دانش آموزان بر قابلیت اعتماد نتایج پژوهش خواهد افزود. بیشتر پژوهش ها درباره رابطه قلدری و خودکشی براساس مطالعات مقطعی بوده است. نظر به اینکه در مطالعات طولی می توان رابطه قلدری و اطلاعات از وضعیت گذشته فرد را به عنوان عوامل تعیین کننده خودکشی در نوجوانان بررسی کرد لذا پیشنهاد می شود با استفاده از مطالعه طولی، مقایسه قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی انجام شود تا تعمیم پذیری بیشتری برای یافته های این پژوهش تامین شود. همچنین از آنجا که پدیده قلدری در تمامی موقعیت های مدرسه و حتی خارج از مدرسه رخ می دهد، لذا پیشنهاد می شود برای ارتقاء میزان آگاهی معلمان، والدین و دیگر اولیاء مدرسه از این پدیده و نحوه کمک به فرزندان خود در این رابطه آموزش های کاربردی انجام شود. به این دلیل برای ایجاد تغییرات ماندگار در شناخت و الگوهای رفتاری قربانیان قلدری بهتر است افراد خانواده در این زمینه آموزش لازم را ببینند.



## منابع

- اسدی، حمید، حسینی رضی، ثریا و جلیلی، پروین (۱۳۹۱). پیش‌بینی خطر خودکشی بر اساس اعتقادات مذهبی، حمایت اجتماعی، راهبردهای مقابله‌ای و سلامت عمومی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۴(۲۲): ۸۷-۱۰۱.
- استکی آزاد، نسیم و امیری، شعله (۱۳۹۱). اثربخشی برنامه آموزشی کاهش زورگویی مبتنی بر روش الویز در پسران. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۸(۳): ۱۷۵-۱۸۳.
- اکبری بلوطبنگان، افضل و طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۴). رواسازی مقیاس قلدری ایلی-نویز در دانش‌آموزان ابتدایی شهر سمنان. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۷(۴): ۱۷۸-۱۸۵.
- الویس، دان (۱۳۸۹). *شناخت دنیای کودکان (قلدری در مدرسه)*. ترجمه نادر باقری. مشهد: به نشر.
- بیرامی، منصور و علائی، پروانه (۱۳۹۱). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده. *فصلنامه روانشناسی مدرسه*، ۷(۳): ۳۸-۵۶.
- سامانی، سیامک و جوکار، بهرام (۱۳۸۶). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۶(۳): ۶۵-۷۶.
- سعادت، موسی، عباس‌زاده، محمد، نیازی، محسن و منتظری‌خوش، حسن (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و افسردگی. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۱): ۸۹-۱۱۰.
- علیوردی نیا، اکبر و سهرابی، مریم (۱۳۹۴). تحلیل اجتماعی قلدری در میان دانش‌آموزان (مطالعه موردی دوره متوسطه شهر ساری). *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۴(۱): ۹-۳۹.
- فتحی آشتیانی، علی و داستانی، محبوبه (۱۳۸۸). *آزمون‌های روان‌شناختی ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*. تهران: بعثت.
- فدایی، زهرا، عاشوری، احمد، هوشیاری، زهرا و ایزانلو، بلال (۱۳۹۰). تحلیل مسیر منبع

- کنترل، نشانگان افسردگی و پیشرفت تحصیلی بر افکار خودکشی: نقش تعدیل کنندگی جنس. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۳(۲): ۵۹-۱۴۸.
- محمدی فر، محمدعلی، حبیبی، مجتبی و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی مقیاس افکار خودکشی در بین دانشجویان. *مجله علوم روانشناختی*، ۴(۴): ۳۳۹-۳۶۱.
- محمدی فر، محمدعلی، زارعی مته کلایی، الهه، نجفی، محمود و منطقی، محمود (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی های شخصیت مرزی، خشم، خصومت و پرخاشگری در معتادان با و بدون افکار خودکشی. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۷(۲۸): ۹۰-۱۰۰.
- مظلومی، سیدسعید، میرزایی، امین و محمدی، سهیلا (۱۳۸۷). بررسی میزان شیوع افسردگی در بیماران دیابتی نوع ۲ مراجعه کننده به مرکز تحقیقات دیابت یزد. *فصلنامه طلوع بهداشت*، بهار و تابستان ۷(۱-۲)، ۳۰-۳۵.
- نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۹۰). *روش های پژوهش و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)*. تهران: ارسباران.
- Anderson, R. N. (2000). Deaths: Leading causes. *National vital statistic report*, 50(16): 1-85.
- Arango, A. Opperman, K. J., Gipson, P. Y. and King, C. A. (2016). Suicidal ideation and suicide attempts among youth who report bully victimization, bully perpetration and/or low social connectedness. *Journal of Adolescence*, 51: 19-29
- Akbari Balootbangan, A. and Talepasand, S. (2015). Validation of the Illinois Bullying Scale in primary school students of Semnan, Iran. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 17(4):178-185(Text in Persian).
- Aliverdina, A. and Sohrabi, M. (2015). Social Explanation of School Bullying (A Case Study on Sari City's High School Students). *Journal Socio-Cultural Development Studies*, 4(1): 9-39(Text in Persian).
- Asadi, H., Hoseini Razi, S. and Jalili, P. (2012). Predict the risk of suicide based on religious beliefs, social support, coping strategies and general health. *Journal of Applied Psychology*, 4(22): 87-101(Text in Persian).
- Bayrami, M. and Alaie, P. (2013). Bullying in female middle schools: the role of parenting styles and perception of family's emotional environment. *Journal of school psychology*, 2(3): 180-188(Text in Persian).
- Borowsky, I. W., Taliaferro, L. A. and Mc Morris, B. J. (2013). Suicidal thinking and behavior among youth involved in verbal and social bullying: Risk and protective factor. *Journal of Adolescent Health*, 53(1): S4-12.





- Chen, J. K. and Astor, R. A. (2010). School Violence in Taiwan: Examining how western risk factors predict school violence in an Asian culture. *Interpersonal Violence*, 25(8): 1388-1410.
- Eliot, M., Cornell, D., Gregory, A. and Fan, X. (2010). Supportive school climate and student willingness to seek help for bullying and threats of violence. *Journal of School Psychology*, 48(6): 533-553.
- Espelage, D. L. and Holt, M. K. (2001). Bullying and victimization during early adolescence: Peer influences and Psychosocial correlates. *Journal of Emotional Abuse*, 32(2): 123-42.
- Espelage, D. L. and Holt, M. K. (2013). Suicidal Ideation and School Bullying Experiences After Controlling for Depression and Delinquency. *Journal of Adolescent Health*, 53(6): 27-31.
- Estaki Azad, N. and Amiri, SH. (2012). Effectiveness of Olweus Bullying Prevention Program on Iranian Boys. *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 18(3): 175-183(Text in Persian).
- Fadaei, Z., Ashouri, A., Hooshyari, Z. and Ezanloo, B. (2011). Path analysis of locus of control, symptoms of depression and suicidal ideation on academic achievement: The role of gender as moderator. *Journal of Mental Health*, 13(2): 148-159(Text in Persian).
- Fathi Ashtiani, A. and Dastani, M. (2010). Psychological tests, personality and mental health evaluation. 1th ed. Tehran: Besat: 101-230(Text in Persian).
- Faul, L. A., Jim, H. S., Williams, C., Loftus, L. and Jacobsen, P. B. (2009). Relationship of stress management skill to psychological distress and quality of life in adults with cancer, <http://www3.interscience.wiley.com>.
- Felipe, M. T., García, S. D. O., Babarro, J. M. and Arias, R. M. (2011). Social Characteristics in bullying Typology: Digging deeper into description of bullyvictim. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 3(29): 869-878.
- Fekkes, M. Pijpers, F. and Fredrik, A. M. (2006). Do bullied children get ill, or do ill children get bullied? A prospective cohort study on the relationship between bullying and health- related symptoms. *Pediatrics*, 117, 1568-74.
- Fredrick, S. S. and Demaray, M. K. (2018). Peer victimization and suicidal ideation: The role of gender and depression in a school-based sample. *Journal of School Psychology*, 67(1): 1-15.
- Juvonen, J. Esponzoza, M. and schacter, D. (2016). *Encyclopedia of Mental Health* (Second Edition). Pages 216-221. ISBN: 978-0-12-397753-3.
- Kaltiala-Heino, R. Rimpela, M. Marttunen, M. Rimpela, A. and Rantanen, P. (2000). Bullying, depression, and suicidal ideation in Finnish adolescents: school survey, *British Medical Journal*, 319(3): 348-351.
- Karch, D. L., Logan, J. McDaniel, D. D. and et al (2013). Precipitating circumstances of suicide among youth aged 10-17 years by sex: Data from the

- National Violent Death Reporting System, 16 States, and 2005-2008. *Journal of Adolescent Health*, 53(1): 51-3.
- Kim, Y. S. Leventhal, B. L. Koh, Y. and Boyce, T. W. (2009). Bullying increased suicide risk: Prospective study of Korean adolescents. *Archives of Suicide Research*, 13(3): 15-30.
- King, C. A., Horwitz, A., Berona, J., and Jiang, Q. (2013). Acutely Suicidal Adolescents Who Engage in Bullying Behavior: 1- Year Trajectories. *Journal of Adolescent Health*, 53(9): 43-50.
- Kowalski, R. M. and Limber, S. P. (2013). Electronic bullying among middle school students. *Journal of Adolescent Health*, 41, S22-S30.
- Klomek, A. B. Sourander, A. and Elonheimo, H. (2015). Bullying by peers in childhood and effects on psychopathology, suicidality, and criminality in adulthood. *The Lancet Psychiatry*, 2(10): 930-941.
- Klomek, A. B., Sourander, A. and Gould, M. (2010). The association of suicide and bullying in childhood to young adulthood: A review of cross-sectional and longitudinal research findings. *Canadian Journal of Psychiatry*, 55(5): 282-88.
- Mazloomi, S.S., Mirzaei, A. and Mohammadi, S. (2008). Study of Depression Prevalence in the Patients with Type II Diabetes Referring to Yazd Diabetes Research Centers in 2008. *Journal of Yazd Health Sunrise*, 1(2), 30-36 (Text in Persian).
- Mohammadifar, M. Habibi, M. Besharat, M. (2005). Construction and Standardization of Suicidal Ideation Scale among students. *Journal of Psychological Science*, 4(4): 339-361 (Text in Persian).
- Mohammadifar, M. Zarei Matehkalai, E. Najafi, M. and Manteghi, M. (2013). On the comparison of borderline personality traits, anger, hostility, and aggression between addicts with and without suicidal ideation. *Quarterly Journal of Research on Addiction*, 7(28): 90-100 (Text in Persian).
- Naderi, E. A. and Seife Naraghi, M. (2011). *Research methods and how to evaluate it in the humanities* (with emphasis on education). Tehran: Arasbaran. (Persian).
- Nezihe, U. and Neslihan, O. (2009). Relationship between the stress-coping levels of university students and their probability of committing suicide. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 37(9): 1221-1230.
- Nock, M. K., Green, J. G., Hwang, I., McLaughlin, K. A., Sampson, N. A., Zaslavsky, A. M., et al. (2013). Prevalence, correlates, and treatment of lifetime suicidal behavior among adolescents: results from the National Comorbidity Survey Replication Adolescent Supplement. *Journal of Psychiatry*, 70(3): 300-310.
- Olweus, D. (2013). *Bullying at School*. 2second ed. Translated by Nader Bagheri. Mashhad: Beh Nashr; Publication: 1-168 (Text in Persian).
- Patchin, J. W. and Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying



- among youth: A Test of General Strain Theory. *Journal of Youth and Society*, 43(2): 727- 751.
- Papanikolaou, M. Chatzikosma, T. and Kleio, K. (2011). Bullying at school: The role of family. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 29(4): 433-442.
- Potter, L. Silvermen, M. Connorton, E. and Posner, M. (2004). Promoting mental health and preventing suicide in college and university setting. Newton, MA: Education Development Center, Inc: SAMHSA.
- Rothon, C. Head, J. Klineberg, E. and Stansfeld, S. (2011). Can social support protect bullied adolescents from adverse outcomes? A prospective study on the effects of bullying on the educational achievement and mental health of adolescents at secondary schools in East London. *Journal of Adolescence Health*, 34(3): 579-588.
- Reed, K. P., Nugent, W. and Cooper, R. L. (2015). Testing a Path Model of Relationships between Gender, Age, and Bullying Victimization and Violent Behavior, Substance Abuse, Depression, Suicidal Ideation, and Suicide Attempts in Adolescents. *Children and Youth Services Review*, 55(3): 128-137. <http://dx.doi.org/10.1016/j.childyouth.2015.05.016>.
- Ruggieri, S. Friemel, T. Sticca, F. Perren, S. and Alsaker, F. (2013). Selection and Influence Effects in Defending a Victim of Bullying: The Moderating Effects of School ConText. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 79(6): 117-126.
- Saadati, M. Abaszade, M. Neyazi, M. and Montazeri Khosh, H. (2015). Sociological study of the relationship between social capital and depression. *Quarterly Journal of womens studies sociological and psychological*, 13(1): 89-110(Text in Persian).
- Samani S. and Jokar B. (2007). Validity and reliability of the short form of depression, anxiety and stress. *Journal of Social Sciences and Humanities Shiraz University*, 26(3): 65-77(Text in Persian).
- Seals, D. and Young, J. (2003). Bullying and victimization: prevalence and relationship to gender, grade level, ethnicity, self-esteem, and depression. *Adolescence*, 38(2):735-747.
- Stewart, J. G., Esposito, E. C., Glenn, C. R., Gilman, S. E., Pridgen, B. and Auerbach, R. P. (2016). Adolescent self-injurers: Comparing non-ideators, suicide ideators, and suicide attempters. *Journal of Psychiatric Research*, 84, 102-112 <http://dx.doi.org/10.1016/j.jpsychires.2016.09.031>.
- Swearer, S. M. and Hymel, S. (2015). Understanding the psychology of bullying: Moving toward a social-ecological diathesis-stress model. *American Psychologist*, 70, 344-353 <http://dx.doi.org/10.1037/a0038929>.
- Tabachnick, B. G. and Fidell, L. S. (2007). *Using Multivariate Statistics* (5<sup>th</sup> end) Boston: Pearson Education.
- Van Orden, K. A., Witte, T. K., Cukrowicz, K. C., Selby, E. A., and Joiner, T. E., Jr.

- (2010). The interpersonal theory of suicide. *Psychological Review*, 117(5): 575–600. <http://dx.doi.org/10.1037/a0018697>.
- Van Geel, M. Goemans, A. and Vedder, P. (2015). A meta-analysis on the relation between peer victimization and adolescent non-suicidal selfinjury. *Psychiatry Research*, 230(2): 364-368. <http://dx.doi.org/10.1016/j.psychres.2015.09.017>
- Wang, W. Brittain, H. McDougall, P. and Vaillancourt, T. (2015). *Bullying and school transition: conText or development?* Child abuse and neglect, in press
- Waasdorp, T. E. and Bradshaw, C. P. (2015). The overlap between cyberbullying and traditional bullying. *Journal of Adolescent Health*, 56(5): 483e488.
- Yates, M. (2007). The developmental consequences of child emotional Abuse: a neuro developmental perspective. *Journal of Psychology*, 129(7): 145-155.
- Yang, S. J., Kim, J. M., Kim, S.W., Shin, I. S. and Yoon, J. S. (2006). Bullying and victimization behaviors in boys and girls at South Korean primary schools. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 5(3): 69–77.



### نویسندگان

**z.kermani@semnan.ac.ir**

**زهرا کرمانی مامازندی**

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه سمنان و عضو گروه پژوهشی علوم شناختی جهاد دانشگاهی استان البرز- محقق و پژوهشگر در حوزه روان‌شناسی، دارای مقالات چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی داخلی و خارجی در حوزه قلدری، سلامت اجتماعی، شادکامی، دینداری، تاب آوری، سازگاری زناشویی- حوزه مطالعاتی و تدریس شامل روان‌شناسی تربیتی، شخصیت، یادگیری، روان‌شناسی هوش و سنجش، روان‌شناسی اجتماعی از تالیفات ایشان می‌توان کتاب روش‌های تدریس سنتی و نوین (گامی به سوی آموزش) را نام برد

**m\_najafi@semnan.ac.ir**

**محمود نجفی**

استادیار و مدیر گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه سمنان، دارای بیش از ۴۰ مقاله علمی پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی- راهنمایی بیش از ۵۰ پایان‌نامه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری- حوزه مطالعاتی و تدریس شامل روان‌شناسی رشد، آسیب‌شناسی روانی، شخصیت

**Akbariafzal1369@gmail.com**

**افضل اکبری بلوطبندگان**

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه سمنان، عضو بنیاد نخبگان، دارای مقالات چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی داخلی و خارجی در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی شامل قلدری، سلامت، تربیتی، شخصیت، روان‌شناسی مثبت، حوزه مطالعاتی و تدریس ایشان روان‌شناسی رشد، روش تحقیق و روان‌شناسی تربیتی است.

## ***A Comparison of Bullying, Victimization, Conflict, Anxiety, Stress and Depression in Two Groups of Girls with and without Suicidal Ideation***

Zahra Kermani Mamazandi<sup>1</sup>  
Mahmoud Najafi<sup>2</sup>  
Afzal Akbari Balutbangan<sup>3</sup>

### ***Abstract***

The aim of this research was to compare bullying, victimization, conflict, anxiety, stress and depression in two groups of girls with and without suicidal ideation. The research is descriptive and comparative-practical. A total of 300 female students of secondary schools (seventh and eighth grade) of Pakdasht County were selected by multistage cluster sampling method. The students completed the questionnaire of suicidal ideation, anxiety, stress, depression and bullying of Illinois. Multivariate analysis of variance was used for data analysis. The results showed that there is a significant difference, in the scores of victimization, bullying, conflict, stress, anxiety and depression between the two groups of girls with and without Suicidal ideation. This means that girls with suicidal ideation achieved higher scores in victimization, bullying, conflict, stress, anxiety and depression compared to the group without suicidal ideation. Finally, the results of this study show the important role of victimization, bullying, conflict, stress, depression, and

---

1. Cognitive Science Research Group of Academic Center of Education, Culture and Research, Alborz

2. Assistant Professor of Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Semnan

3. PhD student in Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Semnan

Submit Date: 2017-12-18

Accept Date: 2018-2-07

DOI:10.22051/jwsp.2018.18542.1623



anxiety variables on suicidal ideation. Therefore, considering the physical-psychological pathologies that result in bullying, it is suggested that in order to prevent such problems, practical training should be provided for teachers, parents and other school staff to increase their awareness.

**Key words**

*Anxiety, Bullying, Depression, Stress, Suicidal ideation, Victimization*

